

عبور از رنج



جلسه سوم:
خدا در رنج‌های ما کجاست؟

وقتی نمی‌توانید دست خدا را ببینید، به
قلب او اعتماد کنید.

سازمان ایلام
کلیه حقوق محفوظ می‌باشد. © ۲۰۲۳



- شما را تشویق می‌کنیم که جلسه را با سرود های پرستشی شروع کنید، برای این جلسه یک سرود پرستشی را پیشنهاد میکنیم که از طریق لینک زیر قابل دسترس خواهد بود :

خداوند شبان من است

| خوش آمدگویی: ۲۰ دقیقه

بانوان را به گرمی و همراه با لبخند خوش آمد بگویید و اگر عزیزی برای اولین بار در این جمع حضور پیدا می‌کند (تازه وارد، نو ایمان یا مهمان)، او را به صورت ویژه خوش آمد بگویید. و اجازه دهید بانوان هرکدام شخصا در چند جمله کوتاه خودشان را معرفی کنند و در مورد خودشان یک نکته مثبت بگویند. سپس از مهمان بخواهید در معرفی خودش یک نکته مثبت بگوید و آن را به یاد داشته باشید (شاید در جلسات بعد لازماتان شود).

| بازی: ۱۵ دقیقه

بازی ویژه جلسه حضوری:

بازی دمشو بگیر

برگزارکننده از قبل به تعداد شرکت‌کنندگان ریان و یا پارچه‌ای آماده کند تا بتواند دور کمر آنها (به‌عنوان دم) ببندد. هر شخص باید سعی کند که دم شخص دیگری را بگیرد و بکشد. و در پایان شخصی که بیشترین تعداد دم را جمع کرده بود برنده می‌شود.

بازی ویژه جلسه غیرحضوری:

بازی یادت نره!

هر شخص برای خود صفتی انتخاب و عنوان کند، (مثل: مریم مهربون، سارای خوش‌اخلاق، ندای باهوش و ...) و سپس کسی که اسم و صفات همه و یا بیشتری را یادش بود، برنده می‌شود.

| یادآوری هفته گذشته: ۱۰ دقیقه

شهادت و برکات :

مسئول جلسه از قبل کاغذهایی کوچک برای نوشتن آیه حفظی آماده کند و آنها را به شرکت‌کنندگان بدهد و برای ۳ نفر اول که زودتر آیه را نوشتند، جایزه کوچکی در نظر بگیرد. پیشنهاد می‌کنیم خودتان هم آیه کلیدی را حفظ کنید و با بقیه در میان بگذارید. از بانوان بخواهید شهادت یا برکتی که از فعالیت جلسه قبل داشته‌اند را با جمع به اشتراک بگذارند.

| بازکردن موضوع درس: ۷ دقیقه

چشم‌ها را باید شست
چترها را باید بست

چشم‌ها را باید شست
چترها را باید بست

چشم‌ها را باید شست
چترها را باید بست

چشم‌ها را باید شست
چترها را باید بست

شکسپیر در نمایشنامه هملت می‌گوید: وقتی که غم‌ها فرا می‌رسند، تک‌تک نمی‌آیند بلکه مانند یک گروهان.

در زندگی ما هم خیلی اوقات رنج‌ها به ناگاه بر ما فرو می‌ریزند و تمام دنیای دوروبر ما از هم فرو می‌پاشد و در پس این اتفاقات گاهی احساس می‌کنیم که خدا از ما دور شده، و یا احساس می‌کنیم که خدا در زندگی ما به خواب رفته و حتی فکر می‌کنیم که خدا ما را برای همیشه رها و ترک کرده است. وقتی که سرتاسر کتاب مقدس را بررسی می‌کنیم، نمونه‌هایی از افراد زیادی را می‌بینیم که برای درک حضور خدا در زمان رنج دچار کشمکش بودند.

- وقتی که در زندگی رنج‌ها و مشکلات بر شما هجوم می‌آورند و در زیر فشارها کمرخم کرده‌اید، خدا را در کجای داستان زندگی خود می‌بینید؟
 - آیا خدا در رنج‌های شما حضور دارد؟
- برای درک بیشتر حضور خدا در زمان رنج نیاز داریم به کلام خدا نگاهی بیاندازیم.

(بیابید باهم به تعلیم امروز گوش دهیم و از نکات کلیدی آن استفاده کنیم.)

| ویدیو: ۱۰ دقیقه

عزیزان را دعوت کنید تا این ویدیو را با دقت تماشا کنند و نت برداری کنند.

عبور از رنج - قسمت ۳

| کارگروهی: ۱۵ دقیقه

مسئول جلسه: دو زندگینامه زیر از شهیدان کلیسای ایران (کشیش هایک هوسپیان مهر و کشیش مهدی دیباج) را برای بانوان بخواند و این موضوع را با یکدیگر بررسی کنند که این عزیزان چطور در پس عبور از رنج‌های فراوان نمونه‌هایی عالی و بی‌نظیر از وفاداری و اعتماد به خدا در زمان رنج‌ها بودند.

- اسقف هایک در سال ۱۹۶۷ با تاکوهی مارگوسیان ازدواج کرد و خداوند به آن‌ها ۴ فرزند بخشید. ایشان پس از ازدواج، در حالی که تنها ۲۲ سال سن داشتند، از سوی رهبران کلیسا به‌مقام کشیشی کلیسای مجیدیه دستگذاری شدند. سپس در سال ۱۹۶۸ عازم استان مازندران شدند و در شهر گرگان کلیسای تأسیس نمودند. در سال ۱۹۶۹، هنگامی که جهت تقدیس کلیسای گرگان به‌اتفاق همسر و فرزند ۶ ماهه‌شان عازم گرگان بودند، اتومبیل‌شان به‌شدت با یک تراکتور تصادف کرد. نوزاد ۶ ماهه ایشان بر اثر این تصادف نزد خداوند رفت و جراحات اسقف هایک و همسرشان نیز چنان شدید بود که احتمال می‌رفت تا پایان عمر قادر به راه رفتن نباشند. اما ایشان به‌زودی بهبود یافتند و با وجود این تجربه تلخ، به‌مدت ۱۴ سال در کمال وفاداری در استان مازندران خدمت کردند. ایشان در سال ۱۹۸۰ با هدایت الهی به تهران رفتند و در سال ۱۹۸۲ در مقام ناظر کلیساهای جماعت ربانی ایران انجام وظیفه نمودند. اسقف هایک در ایجاد همکاری و اتحاد بیشتر بین کلیساهای پروتستان ایران نقشی کلیدی ایفا نمودند و بویژه بر اصل اتحاد کلیسا به‌عنوان بدن مسیح تأکید خاص داشتند. ایشان در زمینه موسیقی نیز استعداد فراوان داشتند و سرودهای روحانی متعددی با صدای گرم و آرام‌بخش ایشان موجود است که تاکنون

باعث برکت بسیاری از مسیحیان شده است. همچنین با پشتکار شخصی خودشان توانستند به خوبی بر زبان انگلیسی تسلط پیدا کنند.

شخصیت محبوب و دوست‌داشتنی اسقف هایک و نیز تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ایشان سبب شد که کلیسای ایران تحت رهبری ایشان به طرز چشمگیر رشد کند. اسقف هایک به راحتی با کلیساهای مختلف ارتباط برقرار می‌کرد و تمام ایمانداران را به دور از هر نوع تعصب و تبعیض خدمت می‌نمود.

روحیه شسانی ایشان باعث شد با شنیدن خبر صدور حکم اعدام برادر فارس خود کشیش مهدی دیباج، در کمال شجاعت این خبر را در سراسر جهان منتشر سازد و برای آزادی وی از هیچ تلاشی فروگذار ننماید. عاقبت نیز این تلاش‌ها به ثمر رسید و مقامات حکومت مهدی دیباج را از زندان آزاد کردند، اما چند روز بعد پیکر خونین اسقف هایک در حالی که به طرز فجیع با ضربات چاقو به قتل رسیده بود در حومه تهران پیدا شد.

او دلیرانه تا پای جان به خاطر مسیح ایستاد و برای همه ما الگویی از شهامت و غیرت برجای نهاد. به پاس این شجاعت، کمیسیون آزادی مذهبی وابسته به سازمان جهانی کلیساهای بشارتی در روز ۱۹ نوامبر ۱۹۹۴ طی جلسه باشکوهی جایزه آزادی مذهب آن سال را به نیابت از اسقف هایک به همسر ایشان اهدا نمود. و روز ۲۰ نوامبر را نیز روز دعای جهانی برای کلیسای ایران نامگذاری کرد. این واقعه و نیز چاپ دفاعیه مهدی دیباج در روزنامه تایمز باعث شد که کلیسای کوچک ایران ماهیتی جهانی پیدا کند و در نتیجه میلیون‌ها مسیحی تا به امروز برای پیشرفت ملکوت خدا در ایران در حال دعا هستند.

• مهدی دیباج در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۱۳ برابر با ۵ آگوست سال ۱۹۳۴ در شهر اصفهان به دنیا آمد. ایشان از کودکی علاقه عجیبی به شناخت خدا داشت. در سن ۳ سالگی خوابی از عیسی مسیح دید و بدین ترتیب اشتیاق شدیدی به شناخت مسیح در دلش پدید آمد. در ۱۴ سالگی، روزی برای عیادت از یکی از بستگان خود به بیمارستان مسیحی اصفهان رفت و در آنجا یکی از کارکنان جزوه‌ای از کتاب مقدس به او هدیه داد. دیباج این جزوه را به دقت مطالعه کرد و سرانجام پس از تحقیق و بررسی فراوان در سال ۱۹۴۷ در کلیسای اسقفی حضرت لوقای اصفهان رسماً از گناهان خود توبه نموده، عیسی مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود پذیرفت.

وقتی جدی بودن ایمان او بر خانواده‌اش روشن شد، او را از خانه اخراج کردند. بنابراین به تهران رفت و در منزل یکی از مسیحیان آنجا پناه گرفت.

پس از چندی در یک کتابفروشی مسیحی مشغول به کار شد و با شور و اشتیاق فراوان به پخش کتاب مقدس و بشارت انجیل پرداخت. مدتی بعد به پیشنهاد رهبران وقت کلیسای انجیلی، جهت فراگیری الهیات مسیحی عازم بیروت شد و سپس برای گذراندن دوره‌های تکمیلی به کشورهای هندوستان و سوئیس سفر کرد.

ایشان به مدت دو سال نیز در افغانستان خدمت کرد و در این مدت علاوه بر ترجمه انجیل مرقس تحت عنوان "خوش‌خبری برای همه"، برنامه‌های رادیویی مسیحی نیز تهیه می‌کرد که تا سال‌ها با صدای خود ایشان از طریق "رادیو ندای مسیح" پخش می‌شد.

مهدی دیباج پس از بازگشت به ایران، در سن ۳۷ سالگی ازدواج کرد و صاحب ۴ فرزند شد. از آنجا که به زبان انگلیسی تسلط کافی داشت، به عنوان استاد زبان انگلیسی در دانشکده فنی بابل در استان مازندران مشغول تدریس شد، اما کمی بعد، از این مقام استعفا داد تا به طور تمام‌وقت در ترجمه تفسیری کتاب مقدس همکاری داشته باشد. او در این مدت کتب روحانی مفیدی نیز به زبان فارسی ترجمه کرد، که کتاب مقدس مصور برای کودکان از جمله آن‌ها است.

همزمان با پیشرفت او در امور روحانی دوران سختی‌ها و آزمایشات نیز آغاز شد. او در سال ۱۹۸۵ به اتهامات مختلف روانه زندان گردید. ایشان به تدریج از تمام اتهامات تبرئه شد، اما به خاطر پافشاری در ایمان مسیحی خود و عدم انکار مسیح، در سال ۱۹۹۳ برای محاکمه به دادگاه ساری احضار شد. ایشان در جلسه دادگاه دفاعیه معروف

خود را ارائه داد که در روزنامه تایمز لندن نیز به چاپ رسید و باعث برکت بسیاری از مسیحیان جهان شد. اما دادگاه او را مجرم شناخته شد و به اتهام «ارتداد» به مرگ محکوم نمود.

در واکنش به این حکم اعدام، اسقف هایک هوسپیان که در آن زمان رهبری کلیساهای جماعت ربانی ایران را برعهده داشت، محافل جهانی را از این امر باخبر ساخت و مدت کوتاهی بعد، مقامات حکومت تحت فشارهای بین‌المللی مهدی دیباج را بدون هیچ توضیحی آزاد کردند. بدین ترتیب ایشان در ژانویه سال ۱۹۹۴، پس از ۹ سال و ۲۷ روز اسارت از زندان آزاد شدند.

کشیش دیباج در مدت ۵ ماه و ۹ روز، بین آزادی از زندان و شهادتش، از طریق درمیان گذاشتن تجربیات روحانی دوران زندان و نیز ضبط شهادت زندگی‌شان بر نوار کاست، باعث برکت بسیاری شدند.

یکی از اهداف ایشان این بود به کشورهای همسایه نظیر پاکستان و مخصوصاً افغانستان سفر کنند و خداوند را در آنجا خدمت نمایند. به همین دلیل نیز مدت کوتاهی قبل از شهادت‌شان ویزای کشور افغانستان را گرفتند و برای رفتن به آنجا آماده می‌شدند.

مهدی دیباج در روز ۲۴ ژوئن ۱۹۹۴، هنگامی که از باغ کلیسا واقع در زیبا دشت کرج برای شرکت در جشن تولد دخترشان فرشته عازم منزل بود، توسط افراد ناشناس و سنگدل ربوده شد. آن‌ها ایشان را با اتومبیل به جنگل‌های حومه تهران بردند و در کمال بی‌رحمی با ضربات متعدد چاقو به قتل رساندند.

کشیش مهدی دیباج همیشه در نهایت سادگی و قناعت زندگی می‌کرد و پیوسته خدا را به‌خاطر اینکه این افتخار را به او داده که در راه خداوند خود زحمت ببیند، شکر می‌کرد. آخرین موعظه‌ای نیز که چند روز قبل از شهادت‌شان در کلیسای جماعت ربانی مرکز در تهران ایراد کردند، در مورد شکرگزاری بود.

باشد که ایمان، توکل، پایمردی و ایستادگی‌شان الگویی باشد برای همه مسیحیان چه در ایران و چه در سراسر دنیا.

| جمع بندی ۱۵ دقیقه

با توجه به ویدیویی که باهم تماشا کردیم و زندگینامه‌هایی که خواندیم و همینطور نمونه‌های عالی که در کلام خدا وجود دارد، می‌توانیم به این باور دست پیدا کنیم که هر چقدر رنج و مشکل در زندگی ما وجود داشته باشد:

۱. خدا هرگز از ما دور نمی‌شود و در سختی‌ها کنار ما می‌باشد.

اگرچه شیطان به عنوان خدای این جهان توصیف شده، اما خدا اجازه نمی‌دهد که ما فراتر از توانمان آزموده شویم. و خدا در همه این رنج‌ها کنار ماست، کلام خدا می‌فرماید:

«حتی اگر از تاریکترین وادی نیز بگذرم، از بدی نخواهم ترسید، زیرا تو با منی؛ عصا و چوبدستی تو قوت قلبم می‌بخشند.» مزمور ۴:۲۳

«چون از آبها بگذری، با تو خواهم بود، و چون از نهرها عبور کنی، تو را فرو نخواهند گرفت. چون از میان آتش روی، خواهی سوخت، و شعله‌اش تو را نخواهد سوزانید.» ایشعیا ۴۳:۲

خدا اینکار را توسط روح قدوس خود انجام می‌دهد و ما را در تمام سختی‌هایمان تسلی می‌بخشد، او به هریک از فرزندان فیض و قوت کافی برای اینکه بتوانند تمام سختی‌های زندگی را تحمل کنند عطا می‌کند.

۲. رنج‌ها و سختی‌های دوستداران خدا به خیریت می‌انجامد.

خداوند وعده داده که همه رنج‌ها و سختی‌ها برای کسانی که او را دوست دارند به خیریت تبدیل می‌شود. «می‌دانیم در حق آنان که خدا را دوست می‌دارند و بر طبق اراده او فرا خوانده شده‌اند، همه چیزها با هم برای

خیریت در کار است.» رومیان ۸: ۲۸

یوسف این حقیقت را از طریق رنج‌های خود دریافت. و همینطور نویسنده عبرانیان نشان می‌دهد که خدا چگونه

بخش‌های پر درد زندگی ما را برای خیریت و رشد به کار می‌برد. اگر ما اجازه بدهیم رنج‌های ما در جهت مثبت تغییر خواهد کرد و ثمره بهتر و قوی‌تری در زندگی ما ایجاد خواهد کرد.

«هیچ تأدیبی در حین انجام شدن، خوشایند نیست، بلکه دردناک است. اما بعد برای کسانی که به وسیله آن تربیت شده‌اند، میوه آرامش و پارسایی به بار می‌آورد. پس دستهای سست و زانوان لرزان خود را قوی سازید! برای پاهای خود راههای هموار بسازید، تا پای لنگ بیشتر صدمه نبیند، بلکه شفا یابد.» عبرانیان ۱۲: ۱۱-۱۳

امرسون، فیلسوف مسیحی اینطور می‌گوید: «اوقات بد ارزشی علمی دارند، آنها موقعیت‌هایی هستند که یادگیرنده خوب آنها را از دست نخواهد داد.»

اما اکثر ما یادگیرندگان خوبی نیستیم، ما زندگی بی‌دغدغه را خیلی بیشتر از یادگیری درس‌هایی دوست داریم که از عبور از مراحل سخت زندگی به دست می‌آید.

یکی از درس‌هایی که باید بیاموزیم این است که در مشکلات و فشارهای عصبی، به شکلی تر و تازه و زنده به وابستگی خود به خدا پی می‌بریم. وقتی اوضاع بر وفق مراد پیش می‌رود برای حل و فصل مسائل خود به توانایی‌های خودمان اعتماد می‌کنیم و احساس می‌کنیم به تنهایی از عهده کارهایمان برمی‌آییم، اما وقتی مشکلات بر ما هجوم می‌آورند و ما را به این سو و آن سو می‌کشند، اعتمادمان بر باد می‌رود؛ در این حالت است که به شکلی شگرف متوجه ناتوانی خود می‌شویم و نزد خداوند فریاد کمک بر می‌آوریم. در چنین اوقاتی است که شروع به کشف این نکته می‌کنیم که آنقدرها هم که فکر می‌کردیم، قوی و خودکفا نیستیم. ولی در حقیقت این کشف به سختی‌هایش می‌ارزد زیرا در ما فروتنی‌ای را پدید می‌آورد که ما را بر آن می‌دارد تا در دعا، دست‌ها را به سوی خداوند برافرازیم.

«مرا فیض عطا فرما، خدایا، مرا فیض عطا فرما! زیرا جان من در تو پناه می‌جوید؛ زیر سایه باله‌ای پناه می‌گیرم، تا این بلایا بگذرد.»

مزمور ۵۷: ۱

مفهوم وابستگی و تکیه به خدا را بیشتر در جاده‌های تیره و تاریک می‌آموزیم تا جاده‌های پرستاره. و در آخر فراموش نکنیم که خداوند عیسی در رنج ما شریک است. وقتی که ما دعا می‌کنیم کاهن اعظمی داریم که همدرد ماست و ما هرگز بیشتر از او متحمل رنج و زحمت نخواهیم شد.

| سرود پرستشی برای انتهای جلسه

در مصیبت‌ها و در سختی

| فعالیت در طول هفته

با توجه به تعالیمی که در این چند جلسه باهم پشت سر گذاشتیم، دریافته‌ایم که اکثر ما در زندگی با رنج‌ها مواجه هستیم ولی در عین حال خدا در رنج‌های ما حضور دارد و ما را ترک و رها نمی‌کند. پس چقدر عالی خواهد بود که ما با همین ایمان و بر طبق این آیه:

«متبارک باد خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح، که پدر رحمتها و خدای همه دلگرمیهاست؛ که به ما در همه سختیهایمان دلگرمی می‌بخشد تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته‌ایم، دیگران را که از سختیها می‌گذرند، دلگرم سازیم.»

۲قرن‌تیا ۱: ۳-۴

برای دلگرم ساختن دیگران قدمی برداریم و آیات زیر را با خلاقیتی که خدا به ما بخشیده به صورت لاکتایی، کارت پستال و...، با وسایل و امکاناتی که در دسترس داریم، تهیه کرده و به شخصی هدیه دهیم.

آیات پیشنهادی:

- «در حضور خداوند آرام باش، و صبورانه انتظار او را بکش!»
مزمور ۷:۳۷
- «خداوند را در همه وقت متبارک خواهیم خواند؛ ستایش وی همواره بر زبان من خواهد بود.»
مزمور ۱:۳۴
- «نیرومند باشید و دل قوی دارید، ای همهٔ کسانی که برای خداوند انتظار می‌کشید.»
مزمور ۲۴:۳۱
- «زیرا فکریایی را که برای شما دارم می‌دانم، که فکریهای سعادت‌مندی است و نه تیره‌بختی، تا به شما امید بخشم و آینده‌ای عطا کنم؛ این است فرمودهٔ خداوند.»
اِرمیا ۱۱:۲۹
- «راه خود را به خداوند بسپار، و بر او توکل کن، که او عمل خواهد کرد.»
مزمور ۵:۳۷

آیه کلیدی |

- آیه را در کتاب مقدس خود پیدا کنید.
- یکبار از روی آن بخوانید.
- برای ۲ دقیقه بر روی آن تعمق کنید.
- یکبار از روی آن بنویسید.
- و در نهایت سعی کنید آیه و آدرس آن را به خاطر بسپارید.

خدا پناه و قوت ماست، و یآوری که در تنگی‌ها فوراً یافت می‌شود. پس نخواهیم

ترسید، اگرچه زمین متحرک شود، و کوهها به قعر دریا فرو افتند.

مزمور ۴۶:۱-۲